

سه گفتار مقدماتی دربارهٔ سکه‌شناسی ساسانی

احسان شواری^۱

پژوهشگر سکه‌شناسی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰

چکیده

مطالعات سکه‌شناسی ساسانی از اواخر قرن هجدهم میلادی آغاز شد و تا کنون پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است، به گونه‌ای که امروز پاسخ بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات تاریخ و باستان‌شناسی دورهٔ ساسانی از تحقیقات سکه‌شناختی به دست می‌آید. این مقاله در سه بخش جداگانه، به مسائل عمومی و بنیادی سکه‌شناسی ساسانی می‌پردازد تا خوانندگان فارسی‌زبان را از سرگذشت و دستاوردهای تحقیقات سکه‌شناسی ساسانی از آغاز تا امروز، مجموعه‌های مهم سکه‌های ساسانی در ایران و جهان، رویکردهای نو و مبانی روش‌شناختی این مطالعات آگاه سازد.

واژه‌های کلیدی: سکه‌شناسی، باستان‌شناسی، مجموعه‌داری، دورهٔ ساسانی، مجموعهٔ سکه‌های ساسانی (SNS).

مقدمه^(۱)

پیشینه پژوهش در سکه‌شناسی ساسانی به اواخر قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد. در آغاز، این تحقیقات محدود به بررسی و طبقه‌بندی سکه‌های گردآوری‌شده در موزه‌ها و مجموعه‌ها بود. از ابتدای قرن بیستم، گسترش تحقیقات باستان‌شناختی، از یک سو، و افزایش آگاهی‌های تاریخی از دوره ساسانی، از سوی دیگر، اهمیت داده‌های سکه‌شناختی را به محققین نشان داد و رشته سکه‌شناسی، به‌عنوان حلقه اتصال تاریخ و باستان‌شناسی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در نیمه دوم قرن بیستم، روش‌ها و رویکردهای تازه‌ای در سکه‌شناسی ساسانی مد نظر قرار گرفت که منجر به شناخت بهتر تاریخ اقتصادی این دوره شد. متن حاضر در سه گفتار تنظیم شده است که به ترتیب به تاریخچه مطالعات سکه‌شناسی ساسانی از قرن هجدهم میلادی تا امروز، معرفی مجموعه‌های مهم سکه‌های ساسانی در ایران و جهان، و مروری بر مبانی روش‌شناختی و رویکردهای تازه در سکه‌شناسی ساسانی می‌پردازند.

۱. سرگذشت سکه‌شناسی ساسانی^(۲)

شاید بی‌فایده نباشد که بحث را از سه تالار راهروی شمالی طبقه دوم موزه تاریخ هنر وین شروع کنیم: کابینه سکه وین، مجموعه‌ای با بیش از ششصد هزار سکه و سرسکه و مدال و اسکناس و غیره، که در قرن‌های گذشته به مجموعه سلطنتی امپراتوری اتریش-مجارستان تعلق داشته است. در سال ۱۷۷۶، مدیریت کابینه سکه‌های باستانی در مجموعه‌های سلطنتی وین به یوزف هیلاریوس اِکِل (۱۷۳۷-۱۷۹۸) سپرده شد که در زمینه تاریخ و فرهنگ یونان و روم باستان تحصیل کرده بود و از سال ۱۷۷۴ صاحب کرسی مطالعات کلاسیک در دانشگاه وین بود. اکل سکه‌ها را داده‌های مهمی می‌دانست که می‌توانند آگاهی ما را از جهان باستان به‌گونه شگفت‌انگیزی گسترش دهند. مهم‌ترین اثر او کتابی است در هشت جلد با عنوان *دانش سکه‌های کهن* که انتشارش از سال ۱۷۹۲ آغاز شد و آخرین جلد آن در سال ۱۷۹۸ به چاپ رسید، یعنی همان سالی که او درگذشت (Eckhel, 1792-1798). اکل در تحقیقات خود درباره سکه‌های باستانی روشی را بنیان گذاشت که با نام سیستم *اکلی*^۱ شناخته می‌شود و اساس آن جایگزینی سیستم طبقه‌بندی سکه‌ها بر اساس جنس و اندازه با طبقه‌بندی‌های دقیق‌تر است. بر پایه سیستم *اکلی*، سکه‌های باستانی را به‌طور کلی می‌توان در دو گروه جای داد: سکه‌های رومی و سکه‌های غیررومی. سپس هر دسته باید بر اساس مشخصه‌های

1. *Systema Eckhelianum*

تاریخی و جغرافیایی در گروه‌های کوچک‌تر طبقه‌بندی شود (برای آگاهی بیشتر از تحقیقات اکل رجوع کنید به: Williams – Woytek, 2015). با رواج سیستم *اکلی*، تحقیقات دربارهٔ سکه‌های باستانی اروپا، خصوصاً سکه‌های یونانی، رومی و کلتی، تدریجاً گسترش یافت، اما در زمینهٔ سکه‌شناسی شرقی هنوز پژوهش جدی و قابل توجهی صورت نگرفته بود. با این وجود، در همان سال‌های پایانی قرن هجدهم بود که نخستین کتاب دربارهٔ سکه‌های ساسانی در پاریس منتشر شد. آنتوان-ایزاک سیلوستر دُساسی (۱۷۵۸-۱۸۳۸)، خاورشناس فرانسوی، نخستین کسی بود که به مدارک بازمانده از دورهٔ ساسانی، خصوصاً کتیبه‌ها و سکه‌ها، توجه کرد و کتاب *گزارش آثار باستانی گوناگون پارس و مدال‌های شاهان سلسلهٔ ساسانی*، به انضمام تاریخ این سلسله ترجمه‌شده از متن فارسی *میرخواند* را منتشر کرد (Silvestre de Sacy, 1793). پس از انتشار این اثر، حدود نیم‌قرن تحقیقی در این زمینه صورت نگرفت تا آنکه با آغاز مکتب شرق‌شناسی سنت‌پترزبورگ در میانهٔ قرن نوزدهم، گردآوری و مطالعهٔ سکه‌های ساسانی نیز رونق گرفت. در سکه‌شناسی به نظر می‌رسد که مجموعه‌داران همواره یک قدم جلوتر از محققین بوده‌اند و سرآغاز سنت سکه‌شناسی سنت‌پترزبورگ خود مؤید این ادعاست. مجموعه‌داران قرن‌های هجدهم و نوزدهم غالباً درباریان، اشراف، نظامیان و تاجران بودند. یکی از نخستین مجموعه‌داران سکه‌های باستانی در سنت‌پترزبورگ ژان دُبارتلمی (۱۸۱۳-۱۸۷۰)، سپهبد ارتش روسیه در قفقاز، بود. او در طی مأموریت‌های خود در کوهستان‌های قفقاز، سکه‌های فراوانی گرد آورد و به بررسی و انتشار آنها پرداخت. از جمله آثار او می‌توان به این سه کتاب کوچک اشاره کرد: *حدس‌هایی دربارهٔ چند مدال ساسانی پس از شاه فیروز* (de Bartholomaei, 1847a)، *طبقه‌بندی مدال‌های گرجی ساسانی مآب از دیدگاه هنری* (de Bartholomaei, 1847b) و *یادداشت‌های سکه‌شناسی و باستان‌شناسی ماورای قفقاز* (de Bartholomaei, 1859). یکی دیگر از مجموعه‌داران سکه‌های ساسانی در سنت‌پترزبورگ میانهٔ قرن نوزدهم یوهانس آلبرشت برنارد دُرن (۱۸۰۵-۱۸۸۱)، مشهور به باریس آندریویچ دُرن، خاورشناس آلمانی‌تبار، مدیر موزهٔ آسیایی فرهنگستان علوم سنت‌پترزبورگ و استاد دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه سنت‌پترزبورگ، بود. از او کتاب‌ها و مقالات متعددی به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و روسی باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین آثار او کاتالوگی است از سکه‌های ساسانی مجموعهٔ شخصی سپهبد دُبارتلمی که در سال ۱۸۷۳ در سنت‌پترزبورگ انتشار یافت (Dorn, 1873). هر دو مجموعهٔ سکه‌های دُبارتلمی و دُرن اکنون در موزهٔ دولتی اِرمیتاژ در شهر سنت‌پترزبورگ نگهداری می‌شوند (برای آگاهی بیشتر دربارهٔ سرگذشت مکتب

سنت پترزبورگ و سهم آن در پیشرفت سکه‌شناسی ساسانی بنگرید به: Shavarebi, 2017). در همان سال‌ها، آندریاس داوید مُرْتَمَن (۱۸۱۱-۱۸۷۹)، دیپلمات آلمانی مقیم قسطنطنیه، سلسلهٔ مقالات مفصلی به زبان آلمانی با عنوان «تشریح سکه‌های دارای نبشتهٔ پهلوی» (Mordtmann, 1854; 1858; 1865) و «دربارهٔ سکه‌شناسی پهلوی» (Mordtmann, 1879) در مجلهٔ *انجمن شرقی آلمان* منتشر کرد؛ مقالاتی که در میان آثار هم‌عصر خود جایگاهی بسیار مهم و تأثیرگذار داشتند. در همان مجله، تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰)، شرق‌شناس نامدار آلمانی، دو مقالهٔ مهم دربارهٔ سکه‌های ساسانی و نبشته‌های آنها به چاپ رساند (Nöldeke, 1877; 1879). دامنهٔ مطالعهٔ سکه‌های ساسانی در همان نیمهٔ دوم قرن نوزدهم به بریتانیا نیز کشیده شد و ادوارد تامس نخستین متون تحقیقی را در این زمینه به زبان انگلیسی منتشر کرد. توجه و تمرکز او شاید بیش از سکه‌ها به سنگ‌نبشته‌های ساسانی معطوف بود، لیکن در میان نوشته‌های او آثار تحقیقی مستقلی در زمینهٔ سکه‌شناسی نیز به چشم می‌خورد. اهم آثار او در این زمینه سه کتاب است: *کتیبه‌ها، مُهرها و سکه‌های آغاز ساسانی* (Thomas, 1868)، *سکه‌های ساسانی* (Thomas, 1873) و *سکه‌های پارتی و هندی-ساسانی* (Thomas, 1883). البته این آثار صرفاً جهت معرفی و توصیف سکه‌ها و کتیبه‌ها نوشته شده‌اند و جنبهٔ تحلیلی ندارند. از میان کشورهای صاحب مکتب در سکه‌شناسی، شاید دیرتر از همه در فرانسه سکه‌شناسی ساسانی مورد توجه قرار گرفت. در اواخر قرن نوزدهم، اِدْمُن (ادم-آلفونس) دروئن (Drouin, 1886) دربارهٔ سکه‌های ساسانی و عرب‌ساسانی یک کتاب (۱۸۳۷-۱۹۰۴) چندین مقاله چاپ کرد و دوباره وقفه‌ای طولانی آغاز شد. همانطور که از زمان سیلوستر دُساسی تا انتشار آثار دروئن حدود یک قرن فاصله است، تا حدود چهار دهه بعد از دروئن، که کتاب *سکه‌شناسی ایران باستان* دُرُگان انتشار یافت، تحقیق مهمی در زمینهٔ سکه‌شناسی ساسانی در فرانسه انجام نشد. در سال ۱۹۲۱ کتابی در لندن به طبع رسید که در آن اساس بررسی سکه‌ها بر توالی شاهان ساسانی قرار داشت و آن کتاب *سکه‌های ساسانی* اثر ویلیام ولنتاین بود (Valentine, 1921). این کتاب، که بدون حروف‌چینی و به صورت خطی به طبع رسیده، ظاهری کاملاً سنتی دارد و فاقد تصویر است، اما در آن طرح‌ها و جدول‌های سودمندی ترسیم شده و تمام نوشته‌های پهلوی سکه‌های ساسانی که تا آن زمان شناخته شده بود، استنساخ، آوانگاری و ترجمه شده است. این کتاب، به سبب اشکالات و نواقصش، برای محققین امروز قابل‌استفاده نیست، ولی در دههٔ ۱۹۲۰ تأثیر مهمی در روند علمی شدن سکه‌شناسی ساسانی داشت. سه سال بعد، فوردونجی پاروک، سکه‌شناس هندی، کتابی هم‌نام کتاب ولنتاین به طبع رساند (Paruck, 1924).

کتاب *سکه‌های ساسانی* پاروک، چاپ بمبئی، در عصر خود یک اثر نسبتاً ممتاز بود و حتی مانع توجه محققین به کتاب ولنتاین شد. کتاب پاروک، برخلاف آثار پیش از خود، به‌صورت کاتالوگ نبود، بلکه کتابی جامع و مصور بود که توالی تاریخی سکه‌ها را اساس قرار می‌داد. مشکل عمده کتاب پاروک در خواندن کتیبه‌هاست. در حقیقت، آثار پاروک و ولنتاین نخستین پژوهش‌های جامع در زمینه سکه‌شناسی ساسانی محسوب می‌شوند. مهم‌ترین کتابی که در دهه ۱۹۳۰ انتشار یافت *سکه‌شناسی ایران باستان: دوره ساسانی* اثر ژاک دُمُرگان (۱۸۵۷-۱۹۲۴) بود که چند سال پس از مرگ نگارنده‌اش به چاپ رسید (de Morgan, 1933). در کنار آثار ولنتاین و پاروک، این کتاب سخن تازه‌ای برای گفتن نداشت و صرفاً برای آشنایی با سکه‌های محفوظ در کابینه سکه و مدال کتابخانه ملی پاریس سودمند بود. البته، در میان تصاویر این کتاب، سکه‌های مجعول زیادی دیده می‌شود که خواننده را ملزم بدان می‌کند که با احتیاط به سراغ این کتاب برود. پس از کتاب دمرگان، برای مدتی کتابی درباره سکه‌های ساسانی نوشته نشد و فقط مقالاتی از دو باستان‌شناس آلمانی انتشار یافت: ارنست هرتسفلد (۱۸۷۹-۱۹۴۸) و کورت اردمن (۱۹۰۱-۱۹۶۴). از آن زمان بود که باستان‌شناسی و سکه‌شناسی دوره ساسانی به یکدیگر نزدیک شدند. هرتسفلد را باید نخستین باستان‌شناسی دانست که در زمینه سکه‌شناسی ساسانی تحقیقاتی انجام داد و از سکه‌ها برای پاسخگویی به پرسش‌های باستان‌شناختی بهره جست. مهم‌ترین دستاورد تحقیقات هرتسفلد در سکه‌شناسی تدوین جدول تکوین گونه‌های تاج‌های شاهان ساسانی بود (Herzfeld, 1938: 102). تا پیش از این نیز کسی نبود که نداند هر شاه ساسانی تاج خاص خود را بر سر می‌گذاشته، اما نخستین طبقه‌بندی این تاج‌ها در اواخر دهه ۱۹۳۰ و مستقلاً توسط هرتسفلد و اردمن انجام شد. در نتیجه این طبقه‌بندی بود که تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها و بشقاب‌های سیمین با نقوش شاهنشاهان ساسانی ممکن شد. مهم‌ترین تحولات سکه‌شناسی ساسانی در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق افتاد. فرانتس آلتهایم (۱۸۹۸-۱۹۷۶)، که کتاب‌های متعدد و مهمی در زمینه تاریخ جهان باستان از یونان و روم تا قلمرو هیتالی‌ها و هون‌ها از خود باقی گذاشته، در میانه قرن بیستم با همکاری دخترش روت آلتهایم-اشتیل تألیف کتابی را درباره تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران ساسانی با عنوان *یک دولت آسیایی* آغاز کرد (Altheim – Stiehl, 1954). در همین زمان بود که این مورخ آلمانی، با تیزبینی، متوجه بزرگ‌ترین نقطه ضعف تحقیقات پیشین درباره تاریخ ایران ساسانی شد و آن غفلت مورخین از دست‌اول‌ترین مدارک مالی و اقتصادی این دوره، یعنی سکه‌ها، بود. از همین‌رو، آلتهایم تصمیم گرفت از یک همکار دیگر در نگارش این کتاب کمک بگیرد:

یک محقق جوان اتریشی حدوداً سی‌ساله به نام روبرت گوبل (۱۹۱۹-۱۹۹۷)، که در دانشگاه وین باستان‌شناسی خوانده بود و به سکه‌شناسی شرقی علاقه‌مند بود. گوبل، به پیشنهاد آلتهایم برای کتاب *یک دولت آسیایی فصلی با عنوان «ساختار ضرب سکه (در دولت ساسانی)»* تألیف کرد و علاوه بر تشریح و تحلیل دقیق مراحل ضرب سکه و جزئیات نقوش و نبشته‌های سکه‌های ساسانی، جدول‌ها و نمودارهای سودمندی از این جزئیات نیز تنظیم کرد (Göbl, 1954). در مجموع، می‌توان گفت که با انتشار این فصل در کتاب آلتهایم، سکه‌شناسی ساسانی وارد فصل تازه‌ای شد؛ دوره‌ای که اهمیت تحقیقات سکه‌شناسی در تاریخ و باستان‌شناسی دوره ساسانی را نشان داد و سکه‌شناسی ساسانی را به یک رشته میان‌دانشی بدل کرد. گوبل از همان سال‌های نخست دهه ۱۹۵۰، مطالعات خود را با جدیت پی گرفت و مقالات مهم و تأثیرگذاری درباره جنبه‌های گوناگون سکه‌های ساسانی منتشر کرد که انتشار هر کدامشان برای سکه‌شناسی ساسانی قدمی رو به جلو بود. چهارده سال پس از انتشار کتاب آلتهایم، گوبل کتاب کم‌حجمی به زبان آلمانی با عنوان *سکه‌شناسی ساسانی* منتشر کرد (Göbl, 1968) و این درست در زمانی بود که توانسته بود جایگاه خود را به‌عنوان یک پژوهشگر صاحب‌نظر در حوزه سکه‌شناسی تثبیت کند. این کتاب در حقیقت نسخه کامل‌تر و روزآمدتری است از همان فصلی که گوبل در کتاب آلتهایم نوشته بود. هدف از انتشار این کتاب آن بود که پژوهشگران راهنمایی برای شناخت سکه‌های ساسانی در دست داشته باشند که آنها را در نهایت ایجاز با جزئیات نقوش و نبشته‌های سکه‌ها، جنس و اوزان و واحدهای آنها و تحولاتشان در طول دوره ساسانی آشنا سازد. این نخستین بار بود که چنین کتابی در این باره بدین شکل نوشته می‌شد و شاید به همین سبب بود که برگردان انگلیسی این کتاب نیز سه سال بعد انتشار یافت (Göbl, 1971). جز دقت و نوآوری کتاب، آنچه بیش از هر چیز توجه‌ها را به این کتاب جلب کرد انتشار این کتاب در زمانی بود که علاقه و توجه سکه‌شناسان به ایران ساسانی از همیشه کمتر بود و در بسیاری از کشورهای غربی سال‌ها بود که کتاب یا مقاله مهمی در این زمینه منتشر نشده بود. هم‌زمان با گوبل، در اتحاد جماهیر شوروی، یک باستان‌شناس روس پس از یک قرن به بازنگری و مطالعه مجدد سکه‌های ساسانی مجموعه موزه دولتی ارمیتاژ در سنت‌پترزبورگ (لنینگراد آن زمان) پرداخت و او ولادیمیر گریگوریویچ لوکونین (۱۹۳۲-۱۹۸۴) بود. مهم‌ترین کار او بهره‌گیری از سکه‌ها در نگارش تاریخ ایران در قرن سوم میلادی، یعنی آغاز دوره ساسانی، بود. لوکونین در سال ۱۹۶۹ کتاب *فرهنگ ایران ساسانی* (Луконин, 1969) و در سال ۱۹۷۹ کتاب *ایران در قرن سوم* (Луконин, 1979)

را منتشر کرد. با وجود کشفیات مهم لوکونین دربارهٔ سکه‌های اردشیر یکم و بهرام دوم، طبقه‌بندی‌های او از سکه‌های ساسانی قابل مقایسه با کار گوبل نبود و از همان زمان مورد انتقاد محققین اروپایی قرار گرفت. اما تحقیقات گوبل تا اواخر دههٔ ۱۹۹۰ میلادی ادامه داشت و فصل «سکه‌شناسی ساسانی» در جلد سوم *تاریخ ایران کمبریج* را نیز گوبل نوشته است (Göbl, 1983). علاوه بر انتشار کتاب‌ها و مقالات متعدد، گوبل در دانشگاه وین و آکادمی علوم اتریش مکتبی را پایه‌ریزی کرد که شاگردان آن، امروز از بزرگترین استادان سکه‌شناسی در جهان هستند. یکی از نخستین فارغ‌التحصیلان مکتب گوبل، ولفگانگ سایفرت است که در سال ۱۹۷۵ از رسالهٔ دکتری خود دربارهٔ *فعالیت ضربابخانه‌های ساسانی* در دانشگاه وین دفاع کرد؛ رسالهٔ مهمی که متأسفانه هرگز به چاپ نرسید و تنها نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ موسسهٔ سکه‌شناسی دانشگاه وین موجود است (Szaivert, 1975). پس از انتشار کتاب *کلاسیک سکه‌شناسی ساسانی* گوبل، تحقیقات دربارهٔ سکه‌های ساسانی در اروپا دوباره قوت گرفت و در فرانسه نیز مکتب تازه‌ای شکل گرفت که در رأس آن راثول کوریل (۱۹۱۳-۲۰۰۰)، باستان‌شناس ایتالیایی‌تبار متولد قاهره، و فیلیپ ژینیو، ایران‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی، قرار داشتند. فرانسوی‌ها، علاوه بر سکه‌های ساسانی، به سکه‌های عرب‌ساسانی نیز توجه ویژه‌ای داشتند و کتاب‌های مهمی در این زمینه منتشر کردند. در سال‌های میانی نیمهٔ دوم قرن بیستم، انتشار دو کتاب از ملک‌ایرج مشیری (۱۹۲۷-۲۰۱۵) داده‌های تازه و بحث‌برانگیزی را پیش روی سکه‌شناسان گذاشت. مشیری پزشک جراح و مجموعه‌دار ایرانی فرانسوی‌نویسی بود که نیمی از عمرش را در تهران و نیمی را در پاریس سپری کرد. او به سبب علاقهٔ زیاد به تاریخ ایران ساسانی، از جوانی به گردآوری و بررسی سکه‌های ساسانی و عرب‌ساسانی می‌پرداخت. نخستین کتاب او با عنوان *پژوهش‌هایی در سکه‌شناسی ایرانی در زمان ساسانیان* در سال ۱۹۷۲ منتشر شد (Mochiri, 1972) و جلد دوم آن با عنوان *پژوهش در سکه‌شناسی ایرانی در دوره‌های ساسانی و عرب‌ساسانی* با مقدمه‌ای از دیوید بیوار (۱۹۲۶-۲۰۱۵)، ایران‌شناس بریتانیایی، در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسید (Mochiri, 1977). اهمیت جلد دوم کتاب مشیری در شناسایی و مکان‌یابی تعداد زیادی از ضربابخانه‌های اواخر دورهٔ ساسانی است. ولی شاید مهم‌ترین دستاورد مشیری در این دو کتاب کشف سکه‌های آرمیدخت بود که بر روی آنها به جای تصویر ملکه، نقش ریش‌دار پدرش خسرو دوم دیده می‌شود و تعداد بسیار کمی از این سکه‌ها باقی مانده است (Mochiri, 1972: 11-16). ازین‌روست که نام مشیری در سکه‌شناسی ساسانی همیشه با نام آرمیدخت «ملکهٔ ریش‌دار» همراه است. در دهه‌های اخیر، مشیری

مقالات مهمی درباره سکه‌های شاپور دوم، قباد اول، خسرو اول، پوراندرخت، خسرو سوم، خسرو چهارم و نیز درباره ضرابخانه‌های کرمان، دارابگرد، وه‌از آمدکواد، شیراز، باغ‌شور و یزد منتشر کرد که غالباً مبتنی بر داده‌های موجود در مجموعه شخصی خودش بود. سکه‌شناسی ساسانی در آلمان هرگز به شکل شایسته‌ای مورد استقبال قرار نگرفت، اما در دهه‌های اخیر محققین برجسته‌ای چون هایننتس گاو به، لوتس ایلش و اشتفان هایدمن کتاب‌ها و مقالات مهمی درباره سکه‌های عرب‌ساسانی و صدر اسلام نوشته‌اند. بازگردیم به دو مکتب وین و پاریس که هر دو تا امروز دوام داشته‌اند. در وین، یکی از شاگردان گوبل به نام میثائل آلام جانشین او شد. تخصص او در سکه‌شناسی اشکانی، ساسانی و حکومت‌های شرق ایران است. آلام رساله دکتری‌اش را با عنوان *اساس داده‌های نام‌شناسی ایرانی بر سکه‌های باستانی*، در دانشگاه وین، زیر نظر روبرت گوبل و مانفرد مایرهوفر نوشت و در سال ۱۹۸۲ از آن دفاع کرد. این رساله، چهار سال بعد، با عنوان *نام‌های خاص ایرانی بر روی سکه‌ها* ذیل مجموعه *نام‌نامه ایرانی* در وین منتشر شد (Alram, 1986). از سوی دیگر، در پاریس، یکی از شاگردان بلژیکی کوریل و ژینیو به نام ریکا گیزلن تحقیقات آنها در زمینه سکه‌شناسی و مهرشناسی ساسانی را پی گرفت. در دهه هشتاد میلادی، گیزلن با همکاری ژینیو کاتالوگ مهرها و گل‌مهرهای ساسانی بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های جهان را در دو جلد منتشر کرد (Gignoux – Gyselen, 1982; 1987). همچنین در سال ۱۹۸۴، با همکاری کوریل، کتابی درباره مجموعه‌ای از سکه‌های مسی عرب‌ساسانی به چاپ رساند (Curiel – Gyselen, 1984). رساله دکتری گیزلن با عنوان *جغرافیای اداری شاهنشاهی ساسانی: اسناد مهرشناختی* در سال ۱۹۸۹ در پاریس انتشار یافت (Gyselen, 1989). در دهه ۱۹۹۰، راثول کوریل پیشنهاد آغاز طرحی را داد که یک دهه بعد منجر به تحولی اساسی در سکه‌شناسی ساسانی شد؛ گرچه خود کوریل در سال ۲۰۰۰ درگذشت و شاهد به ثمر رسیدن این طرح نبود. کوریل پیشنهاد کرده بود که یک گروه متخصص در سکه‌شناسی ساسانی تشکیل شود و با استفاده از یک پایگاه داده عظیم، شامل تمام سکه‌های ساسانی موجود در بزرگ‌ترین موزه‌ها و مجموعه‌های جهان، به تدوین یک کاتالوگ جامع تحلیلی و به بررسی و تفکیک همه گونه‌ها و سبک‌های سکه‌های ساسانی بپردازد. این طرح بدون همکاری دو مکتب وین و پاریس نمی‌توانست عملی شود، بنابراین پروژه بزرگی آغاز شد با عنوان *مجموعه سکه‌های ساسانی*^۱. سرپرستی این گروه را میثائل آلام در وین و ریکا گیزلن در پاریس عهده‌دار شدند و سکه‌های ساسانی موجود در کابینه سکه موزه تاریخ هنر

1. *Sylloge Nummorum Sasanidarum (SNS)*

وین، کابینه سکه و مدال کتابخانه ملی فرانسه در پاریس و کابینه سکه موزه‌های دولتی برلین به عنوان مجموعه‌های اصلی و اولیه تأمین سکه‌های پایگاه داده این طرح انتخاب شدند. البته داده‌های این طرح محدود به این سه مجموعه نیست و از سکه‌های محفوظ در سایر موزه‌ها و مجموعه‌ها که پیش از این منتشر شده‌اند و همچنین از سکه‌های ثبت‌شده در برگه‌دان مرکزی سکه‌شناسی^۱ در وین نیز استفاده شده است (Agram – Gyselen – Linke – Schreiner, 1997-99). دستاورد این طرح که البته همچنان در جریان است تا کنون انتشار چند جلد کتاب مفصل و مصور با رویکردهایی متفاوت و نو بوده است. برنامه این طرح چنین است که شش جلد کتاب پایه برای سکه‌شناسی ساسانی نوشته شود که تا کنون سه جلد نخست آن منتشر شده است: ۱. اردشیر یکم و شاپور یکم (نوشته میسائل آلام و ریکا گیزلن، با همکاری پرودز اکتور شروو، روبرت لینکه، مانفرد شراینر و ژان نوئل باراندن) (Agram – Gyselen, 2003)؛ ۲. هرمزد یکم تا هرمزد دوم (نوشته میسائل آلام و ریکا گیزلن، با همکاری نیکلاوس شیندل، کارلو چرتی، روبرت لینکه، میسائل ملشر، مانفرد شراینر و ماریس بله-لمرکان) (Agram – Gyselen, 2012)؛ ۳. شاپور دوم تا پایان دوره دوم سلطنت قباد اول (نوشته نیکلاوس شیندل با همکاری زابینه اشتانک، روبرت لینکه و مانفرد شراینر) در دو مجلد (Schindel, 2004). سه جلد دیگر این مجموعه هنوز منتشر نشده‌اند. جلد چهارم درباره سکه‌های ساسانی از خسرو یکم تا وستهم/بسطام، نوشته نیکلاوس شیندل، به‌زودی انتشار خواهد یافت؛ جلد پنجم را میسائل آلام و کارلو چرتی درباره سکه‌های خسرو دوم، احتمالاً در دو مجلد، منتشر خواهند کرد و جلد ششم، به قلم ریکا گیزلن، به سکه‌های قباد دوم تا یزدگرد سوم و سکه‌های عرب‌ساسانی خواهد پرداخت. جز این شش جلد اصلی، مجلدات ضمیمه‌ای نیز در این مجموعه منتشر می‌شوند که تا کنون سه جلد از آنها به چاپ رسیده است. هدف این جلدهای ضمیمه معرفی و انتشار کاتالوگ کامل مجموعه‌هایی از سکه‌های ساسانی است که تا کنون شناسایی و منتشر نشده‌اند. نخستین جلد ضمیمه به سکه‌های ساسانی در موزه‌های اسرائیل اختصاص دارد که توسط نیکلاوس شیندل نوشته شده است (Schindel, 2009). جلد ضمیمه دیگر نوشته لاریسا باراتووا، نیکلاوس شیندل و ادوارد رتولادزه، به سکه‌های ساسانی و سکه‌های تقلیدی ضرب‌شده در بخارا و ترمذ و چغانیان در موزه‌های ازبکستان می‌پردازد (Baratova – Schindel – Rtveldadze, 2012). جدیدترین جلد ضمیمه نیز نوشته نیکلاوس شیندل است و به معرفی و بررسی سکه‌های ساسانی مجموعه خصوصی رابرت شاف در نیوجرسی در ایالات متحده می‌پردازد (Schindel, 2014). انتشار مجلدات این مجموعه،

1. Numismatische Zentralkartei (NZK)

جز اینکه پیکره پژوهشی عظیمی در اختیار محققین گذاشته، سبب تثبیت مبانی روش‌شناختی تازه‌ای در کاتالوگ‌نویسی سکه‌های ساسانی نیز شده است، شیوه‌ای که تا کنون از آن برای تهیه کاتالوگ چند مجموعه دیگر نیز استفاده شده است؛ برای مثال، کاتالوگ سکه‌های ساسانی مجموعه خصوصی احمد سعیدی در لندن نوشته ریکا گیزلن (Gyselen, 2004) و کاتالوگ سکه‌های ساسانی موزه ملی ایران به کوشش وستا سرخوش کرتیس، الهه عسکری و الیزابت پندلتن در دو مجلد (Sarkhosh Curtis – Askari, 2010; 2012).

۲. مجموعه‌های سکه‌های ساسانی

در این بخش بحث را با معرفی مجموعه‌های سکه‌های ساسانی ادامه می‌دهیم. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجموعه سکه در ایران متعلق به موزه ملی ایران است که بیش از ۴۴۰۰ سکه ساسانی را در خود جای داده. مجموعه‌های کوچک‌تری از سکه‌های ساسانی نیز در موزه ملک، تماشاگاه پول و موزه بانک سپه در تهران، موزه آستان قدس در مشهد، موزه آذربایجان در تبریز، موزه اورمیه، موزه گیلان در رشت، موزه بابل، موزه کرمانشاه، موزه سکه‌های تاریخی ایران در شیراز، موزه سکه حیدرزاده و موزه میرزا محمد کاظمینی در یزد، موزه سکه کرمان، موزه سیستان و بلوچستان در زاهدان و موزه‌های دیگر نگهداری می‌شوند. خارج از ایران، مجموعه‌هایی به مراتب بزرگ‌تر و شناخته‌شده‌تر وجود دارند (در این باره بنگرید به: Malek, 1993: 229-231). به نظر می‌رسد که بزرگ‌ترین مجموعه سکه‌های ساسانی در جهان متعلق به موزه دولتی ارمیتاژ است. در روسیه، دو مجموعه بزرگ موزه ارمیتاژ در سنت‌پترزبورگ و موزه دولتی تاریخی در مسکو مجموعاً بیش از ۱۱۰۰۰ سکه ساسانی دارند. گرچه سکه‌های این دو مجموعه از قرن نوزدهم مورد توجه محققین بوده‌اند، هنوز کاتالوگ جامعی از همه سکه‌های ساسانی آنها در دست نیست. در فرانسه، بزرگ‌ترین مجموعه سکه‌های ساسانی، با حدود ۷۰۰۰ سکه، متعلق به کابینه سکه و مدال کتابخانه ملی فرانسه در پاریس است. در گذشته شمار اندکی از سکه‌های این مجموعه توسط دُمرگان منتشر شده و اکنون همه سکه‌های آن در مجموعه SNS در دست انتشار است. در کابینه سکه موزه‌های دولتی برلین در آلمان حدود ۲۵۰۰ سکه ساسانی محفوظ است که انتشار این سکه‌ها نیز در دستور کار طرح SNS قرار دارد؛ همچنین سکه‌های ساسانی کابینه سکه موزه تاریخ هنر وین در اتریش که تعدادشان به حدود ۱۴۰۰ سکه می‌رسد. در این سه کشور، مجموعه‌های کوچک‌تری از سکه‌های ساسانی نیز در موزه‌ها و مؤسسات متعدد

پراکنده‌اند که شماری از آنها تا کنون ثبت و ضبط و منتشر شده است. در بریتانیا، حدود ۲۵۰۰ سکه ساسانی در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود که شناسنامه و تصاویر آنها بر روی پایگاه اینترنتی این موزه در دسترس است. همچنین بیش از ۵۰۰ سکه ساسانی در موزه اشمولین در آکسفورد، حدود ۱۵۰ سکه ساسانی در موزه فیتزویلیام در کمبریج و تعداد کمتری در موسسه باربر در بیرمنگام و سایر موزه‌های بریتانیا محفوظ است. متأسفانه هنوز کاتالوگ جامعی از این مجموعه‌ها تدوین نشده است. در هلند، بزرگترین مجموعه سکه‌های ساسانی، با ۲۴۸ سکه، در کابینه سلطنتی سکه‌های شهر دِن‌هاخ (لاِهه) محفوظ است که کاتالوگ آن به قلم روبرت گوبل منتشر شده است (Göbl, 1962). در سوییس، موزه تاریخی شهر پرن حدود ۱۶۵۰ سکه ساسانی دارد که کاتالوگ بخشی از آن را گوبل (Göbl, 1966) و بخش دیگر را کاپوسی (Kapossy, 1969-70) منتشر کرد. در ایتالیا، مهم‌ترین مجموعه‌ای که تا کنون کاتالوگ آن چاپ شده، مجموعه سکه موزه میلان است که ۶۹ سکه ساسانی دارد. کاتالوگ این مجموعه را اخیراً آندرنّا گاریبلدی به چاپ رسانده است (Gariboldi, 2010). کاتالوگ مجموعه سکه‌های ساسانی موزه ملی چک در پراگ، در سال ۲۰۰۰، توسط ولاستیمیل نوآک و پیرژی میلیتکی به صورت الکترونیکی منتشر شده است (Novák – Militký, 2000). در دیگر کشورهای اروپای شرقی نیز مجموعه‌های کوچکی از سکه‌های ساسانی در موزه‌ها پراکنده‌اند که اطلاع دقیقی از اغلب آنها در دست نیست. در موزه دولتی تاریخی ایروان در ارمنستان، ۸۱۳ سکه ساسانی نگهداری می‌شود که کاتالوگ آنها را ادوارد خورشودیان و آرمینه زهرابیان منتشر کرده‌اند (Khurshudian – Zohrabian, 2002). در گرجستان، ترکیه، افغانستان و هند نیز سکه‌های ساسانی شماری از موزه‌ها تا کنون منتشر شده‌اند. اما در ایالات متحده آمریکا، بزرگ‌ترین مجموعه سکه‌های ساسانی متعلق به انجمن سکه‌شناسی آمریکا در نیویورک است که اطلاعات مربوط به بخشی از این مجموعه در پایگاه اینترنتی این انجمن در دسترس است. به طور کلی، مجموعه‌های موجود را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مجموعه‌های موزه‌ای و مجموعه‌های خصوصی. مجموعه‌هایی که تا اینجا به آنها اشاره شد، مجموعه‌های موزه‌ای بودند. مجموعه سکه‌های موجود در موزه‌ها خود دو دسته‌اند: نخست، سکه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی، و دوم، سکه‌های پراکنده جمع‌آوری شده. از میان موزه‌هایی که به آنها اشاره شد، فقط بخشی از مجموعه‌های موزه ملی ایران، موزه ارمیتاژ، کابینه سکه و مدال پاریس، موزه بریتانیا و برخی از موزه‌های خاورمیانه و قفقاز و آسیای مرکزی از کاوش به دست آمده‌اند. سکه‌های باقی موزه‌ها یا توسط موزه خریداری شده و

یا مجموعه‌های خصوصی اهدایی هستند. بزرگ‌ترین مشکلی که در بسیاری از موزه‌ها با آن مواجه هستیم این است که سکه‌های کاوش‌شده و اهدایی و خریداری‌شده از قدیم با یکدیگر مخلوط شده‌اند و اکنون از شیوهٔ ورود هرکدام از سکه‌ها به موزه اطلاعاتی در دست نیست. همین امر بخش زیادی از فایدهٔ پژوهشی سکه‌های به‌دست‌آمده از کاوش را زایل می‌کند، فایده‌ای که سکه‌های موجود در مجموعه‌های خصوصی بالذات از آن بی‌بهره‌اند. اما سکه‌های موجود در مجموعه‌های خصوصی را نمی‌تواند نادیده گرفت. مجموعه‌داران، چنان‌که طبیعتشان اقتضا می‌کند، میل به جمع‌آوری سکه‌های کمیاب و منحصربه‌فرد دارند و به همین سبب است که بسیاری از گونه‌های منحصربه‌فردی که تا کنون منجر به تحول در مطالعات سکه‌شناسی شده‌اند از مجموعه‌های خصوصی بوده‌اند. سکه‌های موجود در برخی از مجموعه‌های خصوصی بزرگ خوشبختانه تا کنون مورد مطالعهٔ سکه‌شناسان قرار گرفته و منتشر شده‌اند؛ مجموعه‌های قدیم مانند مجموعهٔ ذبارتلمی و ذرن در سنت‌پترزبورگ که سکه‌هایشان در همان قرن نوزدهم منتشر شد و بعداً به مجموعهٔ موزهٔ ارمیتاژ اضافه شد؛ مجموعه‌های سابق عزیزبگلو و فروغی در تهران که گویب از آنها برای کاتالوگ کتاب *سکه‌شناسی ساسانی* استفاده کرد، و مجموعه‌های جدیدتری مانند مجموعهٔ مشیری که توسط خودِ ملک‌ایرج مشیری منتشر شده است، مجموعهٔ حاج مهدی ملک در لندن که تعدادی از سکه‌های آن در مقالات خود او به صورت پراکنده انتشار یافته است، مجموعهٔ احمد سعیدی در لندن که کاتالوگ آن را ریکا گیزلن تدوین و منتشر کرده است، مجموعهٔ رابرت شاف در نیوجرسی که کاتالوگ آن به‌تازگی توسط نیکلاوس شیندل منتشر شده و خودِ مجموعه اخیراً در اختیار بخش سکه‌های تاریخی کتابخانهٔ فایرستون در دانشگاه پرینستون قرار گرفته است. اما معلوم نیست چه تعداد مجموعهٔ خصوصی دیگر در سراسر جهان وجود دارد که کسی از سکه‌های موجود در آنها خبری ندارد. برای مثال لازم است به مدال دودیناری شاپور یکم اشاره کنیم، که بر پشت آن، صحنهٔ حضور فیلیپوس عرب، امپراتور روم، در مقابل شاپور برای درخواست صلح به تصویر کشیده شده است. در سال ۲۰۰۷، میشل آلرام این مدال را معرفی و تحلیل کرد (Alram – Blet-Lemarquand – Skjærø, 2007) و اخیراً نگارنده در مقاله‌ای به بازنگری و تاریخ‌گذاری آن پرداخته است (Shavarebi, 2014). این مدال منحصربه‌فرد که مدرک دست‌اول مهمی برای تاریخ روابط ایران و روم در زمان شاپور محسوب می‌شود، ظاهراً در یک مجموعهٔ خصوصی، احتمالاً در بریتانیا، نگهداری می‌شود.

۳. مبانی روش‌شناختی و رویکردهای نو در سکه‌شناسی ساسانی

در این بخش به مسائل روش‌شناختی و رویکردهای میان‌رشته‌ای در سکه‌شناسی ساسانی می‌پردازیم. چنان‌که در بخش اول بیان شد، نخستین کسی که به طور منسجم در تحقیقاتش سکه‌شناسی ساسانی را، نه با دید سکه‌شناسان سنتی، بلکه توأم با نگاهی تاریخی مورد مطالعه قرار داد، روبرت گوبل بود. از سوی دیگر ولادیمیر لوکونین از سکه‌ها به عنوان داده‌های باستان‌شناختی بهره می‌برد. در سنتی که پس از لوکونین در میان باستان‌شناسان روسی باقی ماند، ترجیح محققین استناد به سکه‌هایی است که از کاوش باستان‌شناختی و در بافت اصیل خود به دست آمده‌اند. در حقیقت سکه‌شناسان ارمیتاژ مکتبی را از لوکونین به ارث بردند که تا حد زیادی برخلاف جهت مکتب مجموعه‌داران اشرافی و نظامی قرن نوزدهم سنت پترزبورگ حرکت می‌کرد. سلسله مقالات سال ۱۹۹۳ سرگی لاگینف و آلکساندر نیکیتین درباره سکه‌های ساسانی مرو را، که بر پایه یافته‌های کاوش‌های هیئت باستان‌شناسان روس در شهر باستانی مرو نوشته شده‌اند، می‌توان از درخشان‌ترین آثاری دانست که سکه را همچون یک مدرک باستان‌شناختی می‌شناسند و تفسیر می‌کنند (Loginov – Nikitin, 1993a; 1993b; 1993c; 1993d). یکی از تصورات غالب در میان سکه‌شناسان و مجموعه‌داران این است که خرید و فروش و گردآوری سکه‌ها در مجموعه‌های خصوصی با خرید و فروش سایر آثار باستانی متفاوت است. آثار باستانی دیگر ممکن است منحصربه‌فرد باشند و حبس آنها در مجموعه‌های خصوصی پژوهشگران را برای مدتی طولانی از اطلاعات تاریخی ارزشمندی محروم کند اما سکه ذاتاً داده‌ای است که در هر زمان به تعداد زیاد ضرب می‌شده و دست‌به‌دست می‌گشته است؛ بنابراین گردآوری سکه را گاهی به گردآوری کتاب تشبیه کرده‌اند و یک مجموعه خصوصی سکه را به یک کتابخانه شخصی مانند دانسته‌اند (مثلاً نک: Heidemann, 2015: 241). لیکن حقیقت آن است که آنچه خرید و فروش آثار باستانی و مجموعه‌داری را به عملی غیراخلاقی و ضدعلمی بدل می‌کند، تک بودن این آثار نیست، بلکه شیوه کشف آنها است. تشخیص تاریخ و محل ضرب سکه‌ها معمولاً امری ممکن است و گاهی از نوشته روی سکه به آسانی معلوم می‌شود، ولی محل و لایه کشف سکه در یک محوطه باستانی لزوماً مطابق با محل و تاریخ ضرب آن سکه نیست. هنگامی که سکه‌ای از حفاری قاچاق به دست آید و وارد بازار شود، عملاً اطلاعات مربوط به کشف آن و نتایجی که این آگاهی می‌تواند برای یک محقق در پی داشته باشد نابود می‌شود. از سوی دیگر، حفاری قاچاق، خواه منجر به کشف آثار منحصربه‌فرد شود و خواه منجر به کشف سکه، در هر صورت سبب تخریب نهشته‌های

فرهنگی در یک محوطهٔ باستانی می‌شود. ابعاد این تخریب در برخی صفحات جغرافیایی، مانند ایران و بین‌النهرین، به مراتب شدیدتر از سرزمین‌های شمال دریای مدیترانه است، چراکه حفاران قاچاقچی شاید در یونان و روم بتوانند بدون وارد کردن آسیب جدی به نهشته‌ها و آثار معماری سنگی، اشیاء کوچکی را خارج کنند و بفروشند. ولی در نهشته‌های فرهنگی بین‌النهرین و ایران و ماوراءالنهر، آثار معماری عمدتاً از خشت و خاک هستند و آسیب‌پذیری آنها بسیار بیشتر از معماری سنگی است؛ بنابراین کاوش قاچاق در محوطه‌ای با معماری خشتی به آسانی می‌تواند نهشته‌های فرهنگی را برای همیشه محو و نابود کند و بر ابهامات و نادانسته‌های ما از گذشته بیفزاید. باید بپذیریم که امروز سکه‌شناسی یک رشتهٔ میان‌دانشی است که ارتباط تنگاتنگی با تاریخ و باستان‌شناسی دارد و از رشته‌های دیگر نیز بی‌نیاز نیست. ضرورت استفاده از متون و گزارش‌های تاریخی در تحلیل سکه‌ها، چند دهه قبل، در سکه‌شناسی یونان و روم معلوم شد و تا کنون کتاب‌ها و مقالات متعددی در این باره تألیف شده است؛ اما در سکه‌شناسی ساسانی هنوز جایگاه متون و گزارش‌های تاریخی به درستی شناخته نشده است. در دو دههٔ اخیر، نویسندگان مجموعهٔ *SNS* در کنار داده‌های سکه‌شناختی به متون تاریخی نیز نیم‌نگاهی داشته‌اند ولی هنوز تحقیق جامعی دربارهٔ جایگاه و اهمیت متون تاریخی در تفسیر داده‌های سکه‌شناختی انجام نشده است؛ برای مثال، متونی مانند *تاریخ الرسل والملوک طبری*، *مروج الذهب مسعودی*، *اخبار الطوال دینوری* و *شاهنامهٔ فردوسی* اطلاعاتی در اختیارمان می‌گذارند، که سنجش آنها با مدارک مالی می‌تواند به حل برخی معماهای کهنهٔ تاریخ و سکه‌شناسی ساسانی بینجامد. از سوی دیگر، شاهنشاهی ساسانی را نباید به صورت یک جزیرهٔ مستقل و جدا از سایر حکومت‌های همسایه‌اش دید. نه فقط در تاریخ و باستان‌شناسی، بلکه در سکه‌شناسی نیز لازم است از مدارک پولی به دست آمده از سرزمین‌های مجاور قلمرو ساسانیان برای بازسازی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان این سرزمین‌ها بهره جست. برای مثال، به تازگی، ریکا گیزلن توانسته است در مقاله‌ای تأثیرات سکه‌های رومی قرن سوم میلادی را بر نقش تاج‌های شاهان ساسانی همان قرن نشان دهد (Gyselen, 2010). اکنون چند دهه است که توجه بسیاری از پژوهشگران به سکه‌های سرزمین‌های شرقی جهان ایرانی نیز معطوف شده است؛ برای مثال، سکه‌های هندوپارتی در سیستان و آراخوزیا، سکه‌های کوشانی در باختر (افغانستان کنونی)، سکه‌های حاکمان بخارا و خوارزم، سکه‌های اقوام هونی ساکن در آسیای مرکزی و هندوکش مانند کیداری‌ها، آلخان‌ها، بزک‌شاه‌ها و هپتالی‌ها. جز سکه‌های حاکمان منطقهٔ وراورد که اغلب در

کاوش‌های باستان‌شناسان روسی به‌دست آمده و بیش از هرکس توسط سکه‌شناسان روسی بررسی شده‌اند، سکه‌های هندوپارتی، کوشانی، کوشانی-ساسانی و هونی اغلب از حفاری‌های قاچاق در افغانستان و پاکستان فعلی به‌دست آمده‌اند و در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند؛ مثلاً بزرگ‌ترین مجموعه سکه‌های اقوام هونی متعلق به امان‌الرحمن، مجموعه‌دار اهل امارات متحده عربی است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، چند جلد کتاب تحلیلی و کاتالوگ بر پایه داده‌های موجود در مجموعه امان‌الرحمن به همت مؤسسه سکه‌شناسی آکادمی علوم اتریش منتشر شده که مهم‌ترین آنها کتابی دوجلدی با عنوان *سکه‌زنی هون‌های ایرانی و جانشینان آنها از باختر تا قندهار (قرون چهارم تا هشتم میلادی)* است (Vondrovec, 2014) که بسیاری از ایرادات و نقایص اساسی کتاب‌های قدیمی آلت‌هایم و گوبل را مرتفع ساخته است. زبان‌شناسی و کتیبه‌شناسی نیز از جمله رشته‌هایی هستند که سکه‌شناسان را در خوانش و تفسیر درست نبشته‌های روی سکه‌ها یاری می‌رسانند. از همین روست که در طرح *SNS* فصلی به مطالعات کهن‌خط‌شناسی^۱ اختصاص یافته و نگارش آن بر عهده زبان‌شناس و ایران‌شناس برجسته نروژی پرودز اکتور شروو گذاشته شده است. شروو در بررسی خود، شکل نگارش تک‌تک حروف خط پهلوی را به صورت جداگانه بررسی کرده و تنوع آنها را بر پایه زمان و مکان ضرب مسکوکات طبقه‌بندی کرده است. بدین ترتیب، توانسته شاخصه‌های نگارشی مناطق گوناگون قلمرو ایران ساسانی را در بازه‌های زمانی متفاوت تعیین کند. در بررسی او، همچنین، تلاش‌هایی جهت طبقه‌بندی تنوع املائی واژگان فارسی میانه بر روی سکه‌ها صورت گرفته، که نتایج سودمندی برای بازسازی متن آسیب‌دیده یا ناقص نبشته‌های بعضی سکه‌ها داشته است. رشته دیگری که لازم است در تحقیقات سکه‌شناختی مورد توجه قرار گیرد کهن‌فلزشناسی^۲ است. گرچه بررسی‌های آزمایشگاهی برای تاریخ‌گذاری مطلق سکه‌ها ناکارآمد است، اما در تعیین اصالت سکه‌های مشکوک می‌توان به این بررسی‌ها اتکا کرد. از سوی دیگر آزمایش تجزیه عنصری فلز، در سال‌های اخیر، بسیاری از مشکلات سکه‌شناسی سنتی را حل کرده است. این آزمایش می‌تواند در تعیین منشأ فلز مورد استفاده در ضرب سکه‌ها سودمند باشد؛ مثلاً در نتیجه همین آزمایش‌ها معلوم شده است که مس مورد استفاده در ضربخانه سیستان در آغاز دوره ساسانی تا نیمه حکومت هرمزد دوم از یک معدن با مس تقریباً خالص تأمین می‌شده و از اواسط حکومت هرمزد دوم این معدن احتمالاً

1. palaeography

2. archaeometallurgy

متروک شده و معدن دیگری با ناخالصی قلع و سرب مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (Alram, 2007: 240, Tab. 1). همچنین، در نتیجهٔ همین بررسی‌ها می‌توان به جنبه‌هایی از سیاست مالی دورهٔ ساسانی پی برد. مثلاً اینکه نخستین شاهنشاهان ساسانی برای قدرت‌نمایی اقتصادی در مقابل رقیبشان، امپراتوری روم، و برای تبدیل پول رایج در شاهنشاهی ساسانی به پول قدرتمندتر در جهان آن روزگار، ترکیب فلز مورد استفاده برای ضرب درهم را تغییر دادند و از نقره‌ای با خلوص حدود ۹۰ درصد بهره گرفتند، در حالی که، در همان زمان، خلوص سکه‌های نقرهٔ امپراتوری روم حدود ۴۵ درصد بود (Alram, 2008: 20). جز مطالعات خط‌شناسی و فلزشناسی، نوآوری دیگر طرح پژوهشی SNS تعریف دو مفهوم کلیدی در سکه‌شناسی ساسانی و تفکیک داده‌ها بر اساس این دو مؤلفه است. نخستین مفهوم «گونه»^۱، تابع زمان، است؛ یعنی با گذر زمان و در مقاطع تاریخی گوناگون، «گونه»های متفاوت ضرب می‌شوند. در شناسایی و طبقه‌بندی گونه‌های سکه‌های ساسانی از جزئیاتی همچون شکل تاج، پوشاک و جواهرات شاه و حتی متن نوشته‌شده بر سکه استفاده می‌شود. مفهوم دوم «سبک»^۲، تابع مکان، است؛ یعنی در هر منطقه و هر ضرابخانه، «سبک» خاص آن محل رواج دارد. تشخیص و تفکیک جزئیات سبک‌شناختی در سکه‌های ساسانی نیازمند دقت در اجزای نقوش رو و پشت سکه است؛ مثلاً نوع خطوطی که برای ترسیم شعله بر روی آتشدان استفاده می‌شود، اندازه و شکل نوارهایی که پشت تاج شاه یا دور ستون آتشدان پیچیده شده، یا سبک نگارش حروف در کتیبهٔ رو و پشت سکه. یک سبک معمولاً طول عمر نسبتاً زیادی دارد و نسل‌به‌نسل در میان حکاکان و ضرابان باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، می‌توان ویژگی‌های سبکی مشترک را در سکه‌های چند شاه متوالی از یک ضرابخانه مشاهده کرد. در مجموع، به نظر می‌رسد که نوآوری‌های طرح SNS سکه‌شناسی ساسانی را وارد دورهٔ تازه‌ای کرده و در سال‌ها و دهه‌های آینده مرجع و الگوی واحدی برای تحقیقات نوین در سکه‌شناسی ساسانی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نوشتار حاضر متن سخنرانی نگارنده با عنوان «یافته‌ها و پژوهش‌های نوین در سکه‌شناسی ساسانی» است، که در صبح روز دوشنبه، ۲۱ تیر ۱۳۹۵، در تالار اندیشگاه فرهنگی کتابخانهٔ ملی ایران ایراد شد.

۲. نگارنده پیش از این نیز، در مقاله دیگری به تاریخچه مختصر سکه‌شناسی ساسانی، با تأکید بر نقش کتاب سکه‌شناسی ساسانی اثر روبرت گوبل، پرداخته است؛ نک: شواربی، ۱۳۹۱. برای کتابشناسی کامل سکه‌شناسی ساسانی بنگرید به: Malek, 1993; Daryae – Gariboldi, 2012.

منابع

شواربی، احسان ۱۳۹۱. «سکه‌شناسی ساسانی: نگاهی به تحقیقات غیرفارسی از آغاز تا امروز»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۱۷۸: ۴۵-۴۰.

- Aram, Michael 1986. *Nomina Propria Iranica in Nummis: Materialgrundlagen zu den iranischen Personennamen auf antiken Münzen* [Iranisches Personennamenbuch, Bd. IV], Wien.
- _____. 2007. "Ardashir's Eastern Campaign and the Numismatic Evidence", in: Joe Cribb – Georgina Herrmann (eds.), *After Alexander. Central Asia before Islam* [Proceedings of the British Academy 133], Oxford: 227-242.
- _____. 2008. "Early Sasanian Coinage", in: Vesta Sarkhosh Curtis -Sarah Stewart (eds.), *The Idea of Iran*, Vol. III: *The Sasanian Era*, London: 17-30.
- Aram, Michael – Blet-Lemarquand, Maryse – Skjærvø, Prods Oktor 2007. "Shapur, King of Kings of Iranians and Non-Iranians", in: Rika Gyselen (ed.), *Des Indo-Grecs aux Sassanides: données pour l'histoire et la géographie historique* [Res Orientales 17], Bures-sur-Yvette: 11-40.
- Aram, Michael – Gyselen, Rika – Linke, Robert – Schreiner, Manfred 1997-99. "Sylloge Nummorum Sasanidarum. Die Münzen der Sasaniden aus der Bibliothèque Nationale de France, dem Münzkabinett der Staatlichen Museen zu Berlin und dem Münzkabinett am Kunsthistorischen Museum in Wien", *Anzeiger der philosophisch-historischen Klasse der Österreichischen Akademie der Wissenschaften*, 134/I: 15-41.
- Aram, Michael – Gyselen, Rika 2003. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Paris – Berlin – Wien*, Bd. I: *Ardashir I. – Shapur I.*, Wien.
- _____. 2012. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Paris – Berlin – Wien*, Bd. II: *Ohrmazd I. – Ohrmazd II.*, Wien.
- Altheim, Franz – Stiehl, Ruth 1954. *Ein asiatischer Staat: Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbarn*, Wiesbaden.
- Baratova, Larissa – Schindel, Nikolaus – Rtveldze, Edvard 2012. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Usbekistan: Sasanidische Münzen und ihre Imitationen aus Bukhara, Termes und Chaganian*, Wien.
- Curiel, Raoul – Gyselen, Rika 1984. *Une collection de monnaies de cuivre arabo-sasanides* [Studia Iranica. Cahier 2], Paris.
- Daryae, Touraj – Gariboldi, Andrea 2012. "A Bibliography of Sasanian and Arab-Sasanian Numismatics (1793-2010)", *E-Sasanika* 20, available online at: <http://www.humanities.uci.edu/sasanika/pdf/e-Sasanika20.pdf>
- de Bartholomaei, Jean 1847a. *Conjectures sur quelques médailles sassanides postérieures au roi Firouz*, Saint-Pétersbourg.
- _____. 1847b. *Classement de médailles géorgiennes au type sassanide du point de vue de l'art*, Saint-Pétersbourg.
- _____. 1859. *Lettres numismatiques et archéologiques relatives à la Transcaucasie*, Saint-Pétersbourg.
- de Morgan, Jacques 1933. *Numismatique de la Perse antique : dynastie sassanide*, Paris.

- Dorn, Johannes Albrecht Bernhard 1873, *Collection de monnaies sassanides de feu le Lieutenant-Général J. de Bartholomaei*, Saint-Pétersbourg.
- Drouin, Edmond (Edme-Alphonse) 1886. *Observations sur les monnaies à légendes en pehlevi et pehlevi-arabe*, Paris.
- Eckhel, Joseph Hilarius 1792-98. *Doctrina numorum veterum*, 8 Vols., Vindobonae [= Vienna].
- Gariboldi, Andrea 2010. *Sasanian Coins and History: The Civic Numismatic Collection of Milan*, Costa Mesa.
- Gignoux, Philippe – Gyselen, Rika 1982. *Sceaux sassanides de diverses collections privées* [Studia Iranica. Cahier 1], Leuven.
- _____ 1987. *Bulles et sceaux sassanides de diverses collections* [Studia Iranica. Cahier 4], Paris.
- Göbl, Robert 1954. „Aufbau der Münzprägung (des Sasanidenstaates)“, in: Franz Altheim – Ruth Stiehl, *Ein asiatischer Staat*, Wiesbaden: 51-128.
- _____ 1962. *Die Münzen der Sasaniden im königlichen Münzkabinett, Haag*, 's-Gravenhage.
- _____ 1966. „Eine neuerworbene Sammlung mittelasiatischer Münzen“, *Jahrbuch des Bernischen Historischen Museums* 45-6: 185-223.
- _____ 1968. *Sasanidische Numismatik*, Braunschweig.
- _____ 1971. *Sasanian Numismatics*, Braunschweig.
- _____ 1983. „Sasanian Coins“, in: Ehsan Yarshater (ed.), *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3/I: *The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Cambridge: 322-336.
- Gyselen, Rika 1989. *La géographie administrative de l'empire sassanide : Les témoignages sigillographiques* [Res Orientales I], Paris.
- _____ 2004. „New Evidence for Sasanian Numismatics: The Collection of Ahmad Saedi“, in: Rika Gyselen (ed.), *Contributions à la géographie historique de l'empire sassanide* [Res Orientales XVI], Bures-sur-Yvette: 49-140.
- _____ 2010. „Romans and Sasanians in the Third Century. Propaganda Warfare and Ambiguous Imagery“, in: Henning Börm – Josef Wiesehöfer (eds.), *Commutatio et contentio. Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East in Memory of Zeev Rubin*, Düsseldorf: 71-87.
- Heidemann, Stefan 2015. „Review of: Nikolaus Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum. The Schaaf Collection*“, *Schweizerische Numismatische Rundschau* 94: 241-247.
- Herzfeld, Ernst 1938. „Khusrau Parwēz und der Tāq i Vastān“, *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 9: 91-158.
- Kapossy, Balázs 1969-70. „Mittelasiatische Münzen im Bernischen Historischen Museum, II. Sasanidische Münzen“, *Jahrbuch des Bernischen Historischen Museums* 49-50: 123-158.
- Khurshudian, Eduard – Zohrabian, Armine 2002. *Sassanian Coins of Armenia*, Almaty.
- Loginov, Sergej D. – Nikitin, Alexandr B. 1993a. „Sasanian Coins of the Third Century from Merv“, *Mesopotamia* 28: 225-246.
- _____ 1993b. „Coins of Shapur II from Merv“, *Mesopotamia* 28: 247-269.
- _____ 1993c. „Sasanian Coins of the Late 4th – 7th Centuries From Merv“, *Mesopotamia* 28: 271-312.
- _____ 1993d. „Post-Sasanian Coins from Merv“, *Mesopotamia* 28: 313-317.
- Луконин, Владимир Г. 1969. *Культура Сасанидского Ирана*, Москва.
- _____ 1979. *Иран в III веке*, Москва.

- Malek, Hodge Mehdi 1993. "A Survey of Research on Sasanian Numismatics", *The Numismatic Chronicle* 153: 227-269.
- Mochiri, Malek Iradj 1972. *Études de numismatique iranienne sous les Sassanides*, tome I, Téhéran.
- _____ 1977. *Étude de numismatique iranienne sous les Sassanides et Arabe-Sassanides*, tome II, Téhéran.
- Mordtmann, Andreas David 1854. „Erklärung der Münzen mit Pehlvi-Legenden“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 8: 1-194.
- _____ 1858. „Erklärung der Münzen mit Pehlvi-Legenden“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 12: 1-56.
- _____ 1865. „Erklärung der Münzen mit Pehlvi-Legenden“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 19: 373-496.
- _____ 1879. „Zur Pehlevi-Münzkunde (I. Die ältesten muhammedanischen Münzen; II. Die Prägestätten der Sassaniden-Münzen; III)“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 33: 82-142.
- _____ 1880: „Zur Pehlevi-Münzkunde: IV. Die Münzen der Sassaniden“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 34: 1-162.
- Nöldeke, Theodor 1877. „Zur Erklärung der Sāsānidenmünzen“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 31: 147-151.
- _____ 1879. „Zur Pehlewî-Sprache und Münzkunde“, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 33: 687-693.
- Novák, Vlastimil – Militký, Jiří 2000. *Numismata orientalia regni Bohemiae, Corpus Sasanicus* [CD], Praha.
- Paruck, Furdoonjee D. J. 1924. *Sāsānian Coins*, Bombay.
- Sarkhosh Curtis, Vesta – Askari, M. Elahé – Pendleton, Elizabeth J. et al. 2010. *Sasanian Coins: A Sylloge of the Sasanian Coins in the National Museum of Iran (Muzeh Melli Iran)*, Tehran, Vol. 1: *Ardashir I – Hormizd IV*, London.
- _____ 2012. *Sasanian Coins: A Sylloge of the Sasanian Coins in the National Museum of Iran (Muzeh Melli Iran)*, Tehran, Vol. 2: *Khusrau II – Yazdgard III*, London.
- Schindel, Nikolaus 2004. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Paris – Berlin – Wien*, Bd. III: *Shapur II. – Kawad I. / 2. Regierung*, Wien.
- _____ 2009. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. Israel*, Wien.
- _____ 2014. *Sylloge Nummorum Sasanidarum. The Schaaf Collection*, Wien.
- Shavarebi, Ehsan 2014. "Some Remarks on a Newly-Discovered Coin Type of Shāpūr I", *Studia Iranica* 43: 281-290.
- _____ 2017. "A Note on "the Saint Petersburg School" and Its Contribution to Sasanian Numismatics – Past and Present", *Метаморфозы истории* 9: 9-28.
- Silvestre de Sacy, Antoine-Isaac 1793. *Mémoires sur diverses antiquités de la Perse, et sur les médailles des rois de la dynastie des Sassanides, suivis de l'histoire de cette dynastie, trad. du persan de Mirchond*, Paris.
- Szaivert, Wolfgang 1975. *Die Tätigkeit der sāsānidischen Münzstätten ab der generellen Einführung der Signaturen und Datenangaben (Organisation, Technisches und historische Bezüge)*, 3 Bände, Maschinenschriftliche Philosophische Dissertation, Wien.
- Thomas, Edward 1868. *Early Sasanian Inscriptions, Seals and Coins*, London.
- _____ 1873. *Sassanian Coins*, London.
- _____ 1883. *Parthian and Indo-Sassanian Coins*, London.
- Valentine, William 1921. *Sasanian Coins*, London, 1921.

- Vondrovec, Klaus 2014. *Coinage of the Iranian Huns and Their Successors from Bactria to Gandhara (4th to 8th Century CE)*, 2 Vols., Wien.
- Williams, Daniela – Woytek, Bernhard 2015. “The scholarly correspondence of Joseph Eckhel (1737-1798): a new source for the history of numismatics”, in: *Haller Münzblätter VIII: Beiträge zum 6. Österreichischen Numismatikertag 2014*, Hall in Tirol: 45-56.